نقش صفات شخصیتی منش در پیش‌بینی کیفیت راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان زندانیان

سیمین غلامرضایی: استادیار گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه لرستان.
امیر عزیزی*: دانشجوی دکتری تخصصی روان‌شناسی عمومی دانشگاه لرستان. amir28144@gmail.com
مهدی اسماعیلی: کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.
سودابه اسماعیلی: کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.
نگین پیدا: کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.

چکیده

مقدمه: با توجه به نقش عوامل محیطی و ویژگی‌های اکتسابی در به کارگیری راهبردهای مقابل‌های زندانیان؛ هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه منش با راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان و پیشبینی کیفیت راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان براساس عوامل مذکور در زندانیان شهرستان جلفا بود.

روش: این پژوهش توصیفی است که به روش همبستگی و رگرسیون انجام شده است. جامعه‌ی آماری پژوهش را کلیه‌ی زندانیان کیفری زندان شهرستان دربند در سال ۱۳۹۲ داده اند که با روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۱۰۰ نفر انتخاب شدند. اطلاعات به وسیله پرسشنامه منش کلونینجر (۱۹۹۴) و راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان گارنفسکی (۲۰۰۱) جمع‌آوری و با استفاده از ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و کلیه مراحل توسط نرم افزار SPSS18 محاسبه گردید.

نتایج: براساس یافته‌ها میان دو مولفه منش (همکاری و خود راهبردی) با راهبردهای مثبت تنظیم‌شناختی هیجان و مولفه‌های آن (تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش و کم‌اهمیت‌شماری) در زندانیان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین در تحلیل رگرسیون مشخص شد که مولفه همکاری، راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان افراد زندانی را بهتر از سایر مولفه‌ها پیشبینی می‌کند؛ به طوری که حدود ۲۳ درصد واریانس مربوط به راهبردهای مثبت تنظیم هیجانی را تبیین می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش حاضر ضمن اشاره به پیچیدگی طبیعت جرم، به شناخت و مفهوم‌پردازی متغیرهای مختلف و موثر در جلوگیری از ارتکاب جرم یعنی راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان براساس ویژگی‌های اکتسابی افراد زندانی تاکید می‌کند.

واژگان کلیدی

منش

راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان

زندانیان

* نویسنده مسئول
نوع مقاله: پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۸/۲۷

نحوه استناد به مقاله: سیمین غلامرضایی، امیر عزیزی، مهدی اسماعیلی، سودابه اسماعیلی، نگین پیدا. نقش صفات شخصیتی منش در پیش بینی کیفیت راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان زندانیان. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۳؛ ۳ (۳): ۳۸-۳۱

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.3.5.0]

Nature's Role in Predicting Quality of Positive Cognitive Emotion Regulation Strategies in Prisoners

Simin Gholamrezay: Professor of psychology, Lorestan University
Amir Azizi*: P.hD student of general Psychology, Lorestan University
Mehdi Esmaeli: M.A of general Psychology, Department of psychology, Azad university of Tabriz, Iran
Sudabe Esmaeli: M.A of general Psychology, Department of psychology, Azad university of Tabriz, Iran
Negin Peyda: M.A of general Psychology, Department of psychology, Azad university of Tabriz, Iran

Abstract

Introduction: Environmental factors and acquired characteristics are involved in coping strategies were adopted by prisoners. The present study aimed at evaluating the relationship between Positive cognitive emotion and predicting the quality of Positive cognitive emotion regulation strategies in Julfa city.

Methodology: In this descriptive study 100 criminal prisoners based on convenience sampling method were participated. The Cloninger questionnaire (1994) and Positive cognitive emotion regulation strategies Garnefski questionnaire (2001) were used in data Collecting. the correlation and regression analyzes were used in statsitival analysis by the SPSS18 software.

Results: Results showed that there is a significant correlation between the one component nature (Self- Directiveness, Cooperation) with Positive cognitive emotion regulation strategies and its components (Positive refocusing, refocusing on planning, positive reappraisal, acceptance, and some minor). Regression analysis revealed that Cooperation component can predict Positive cognitive emotion regulation strategies prisoners better than the other components. in such a way that about 23% of the variance related to emotional adjustment can be explained.

Conclusions: The findings of this study pointed to the complex nature of the offense, the understanding and conceptualisation of variables And Effective in the prevention of crime and the positive cognitive emotion regulation strategies on the basis of acquired characteristics detainees highlights.

Keywords

Nature

Positive cognitive emotion regulation strategies

Prisoners

*Corresponding Author
Study Type: Original
Received: 15 Oct 2014
Accepted: 18 Nov 2014

Please cite this article as follows: Gholamrezay S, Azizi A, Esmaeli M, Esmaeli S, Peyda N. Nature's role in predicting quality of Positive cognitive emotion regulation strategies in prisoners. Quarterly journal of social work. 2014; 3 (3); 31-38

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.3.5.0]

مقدمه

روانشناسی یکی از محورهای اصلی جرم‌شناسی به حساب می‌آید. نقش روان‌شناس در تبیین پدیده جرم از زمانی برجسته شد که مجرمان را نه تنها از زاویه قضایی، بلکه از دیدگاه روانی و عاطفی نیز مورد بررسی قرار دادند و به جای آنکه به قضاوت درباره جرم به عنوان یک عمل مجزا پرداخته شود، بررسی شخصیت مجرم نیز مورد توجه قرار گرفت. به عبارت دیگر اگرچه دستگاه قضایی به قضاوت درباره یک جرم می‌پردازد؛ اما چاره‌ای جز آن ندارد که علاوه بر رفتار مجرمانه به فرد و خصوصیات ارثی و سرشتی وی نیز توجه داشته باشد (دادستان، ۱۳۸۵).

از دیرباز در بین جرم‌شناسان، دو دیدگاه در مورد شکل‌گیری جرم و بزهکاری مطرح بوده است که یکی از آن‌ها به نقش محیط و دیگری به نقش وراثت، اهمیت بیشتری داده‌اند. دیدگاه محیطی‌نگر، با نادیده انگاشتن نقش وراثت، جرم را معلول عوامل اجتماعی مناسبات معیوب در جامعه‌ی انسانی و تعارض‌هایی می‌داند که در چارچوب آن به وقوع می‌پیوندند. پدیده‌هایی چون فقر، انقلاب، جنگ و تحولات صنعتی عواملی هستند که یکی از پیامدهای آن افزایش جرم است (دادستان، ۱۳۸۵).

دیدگاه ارثی‌نگر، بر این باور بود که جرم، توسط افرادی صورت می‌گیرد که مجرم به دنیا می‌آیند و جامعه هر کاری در مورد آن‌ها انجام دهد، آنان سرانجام مرتکب اعمال بزهکارانه خواهند شد. از پیشگامان این دیدگاه لمبروزو بود که به عینی کردن مساله‌ی جرم پرداخت و از نظریه‌ی فطری بودن جنایت‌زایی دفاع کرد (دادستان، ۱۳۸۵).

کلونینجر (۱۹۹۴) تلاش کرده است با نگاه و تأکید بر پارامترهای زیست‌شناختی، یک چهارچوب نظری محکم در باب شخصیت پدید آورد که هم شخصیت بهنجار و هم نابهنجار را دربر می‌گیرد. براساس این دیدگاه، شخصیت از اجزای سرشتی و منش تشکیل شده است، که به ترتیب شامل سازمان یافتگی کارکردی متشکل از سامانه‌های متفاوت و دریافت‌های منطقی درباره خود، دیگران و دنیا است. به عقیده کلونینجر (۱۹۹۴) منش تا حدودی متأثر از یادگیری اجتماعی–فرهنگی است و در طول زندگی رشد می‌کند. هر یک از ابعاد سرشتی و منشی در یک دستگاه تعاملی، تجربیات زندگی را راه اندازی و هدایت می‌کنند. همچنین آمادگی ابتلاء به اختلال‌های هیجانی و رفتاری از چگونگی عملکرد این دستگاه تعاملی اثر می‌پذیرد.

کلونینجر (۱۹۹۴، به نقل از کلونینجر و شوارکیک، ۲۰۰۵) در مدل عصبی–زیستی خود سه بعد برای منش درنظر می‌گیرد. بعد «خود راهبری» بر پایه پنداشت از خویشتن به عنوان یک فرد مستقل و دارای زیر مجموعه‌های وحدت، احترام، عزت، تاثیربخشی، رهبری و امید تعریف شده است. بعد «همکاری» بر پایه پنداشت از خویشتن به عنوان بخشی از جهان انسانی و جامعه قرار دارد که از آن حس اجتماعی، رحم و شفقت، وجدان و تمایل به انجام امور خیریه مشتق می‌شود. همچنین بعد «خود فرآروی» بر پایه مفهومی از خویشتن به عنوان بخشی از جهان و منابع آن مطرح شده است که با پندارهای حضور راز گونه، ایمان مذهبی، متانت و صبوری غیرمشروط همراه است.

کلونینجر (۱۹۹۴) در مطالعات خود برخی ویژگی‌ها را برای بعد شخصیتی همکاری مطرح نموده است که برخی از این ویژگی‌ها در افراد مجرم به صورت افراط و یا تفریط وجود دارد. وی معتقد است افرادی که در بعد همکاری نمره بالا بدست می‌آورند، همدل، مهربان، متحمل، حمایت کننده و درستکار شناخته می‌شوند و کسانی که در بعد همکاری نمره‌ی پایین می‌گیرند؛ خودبین، متعصب، سرزنش‌کننده و کینه‌توز هستند. به نظر می‌رسد که این ویژگی‌های شخصیتی یعنی خود فراوری، خود راهبردی و همکاری پایین با محیط اجتماعی در افراد زندانی و مجرم از شیوع بالایی برخوردار باشد.

تنظیم هیجانی به عنوان یکی از مولفه‌های مهم روانشناختی در افراد دارای سابقه کیفری مطرح می‌باشد، تنظیم هیجان شامل همه راهبردهای آگاهانه و غیرآگاهانه می‌شود که برای افزایش، حفظ و کاهش مؤلفه‌های هیجانی، رفتاری و شناختی یک پاسخ هیجانی به کار برده می‌شود و به توانایی فهم هیجانات و تعدیل تجربه و ابراز هیجانات اشاره دارد (گراس، ۲۰۰۲). تنظیم هیجان وجه ذاتی گرایش‌های پاسخ‌های هیجانی است (امستادتر، ۲۰۰۸).

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-12]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.3.5.0]

گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۱) مولفه‌های تنظیم هیجان را به دو دسته راهبردهای انطباقی و غیرانطباقی تقسیم کردند. مولفه‌های غیرانطباقی شامل فاجعه شماری، خود سرزنش گری، نشخوار فکر و سرزنش دیگری و مولفه های تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش و کم‌اهمیت‌شماری به عنوان سبک‌های مقابله‌ای انطباقی طبقه‌بندی می‌شوند. به طور کلی، افراد با بکارگیری راهبردهای انطباقی در تنظیم هیجان‌های خود، با تمرکز بر روی جنبه‌های خوشایند، عاطفه منفی کمتری را گزارش می‌کنند.

مطالعات متعدد در زمینه خصوصیات شخصیتی مجرمان حاکی از آنند که عدم نظم‌دهی هیجانی، مهم‌ترین عامل تغییرپذیری و ناپایداری شخصیت آن‌ها است (هارت، ۲۰۰۲). همچنین موریاتی و همکاران (۲۰۰۱)، عنوان می‌کنند در صورتی که بزهکاران دقت بیشتری در برچسب‌زنی حالات هیجانی دیگران به خرج دهند، با کنترل خشم و تکانشوری قادر به درک و شناسایی هیجانات خود و دیگران خواهند بود و همچنین مشکلات آن‌ها در کنترل خشم و پایه‌ریزی روابط معنادار با دوستان خود به نحوی مسالمت‌آمیز بر طرف می‌شود.

هنگامی که شخصی، در موقعیت ارتکاب جرم تحت فشار قرار می‌گیرد، مدیریت موثر هیجان‌ها وقوع جرم و در نتیجه احتمال زندانی شدن را کاهش می‌دهد. در واقع توانایی مدیریت هیجان‌ها باعث می‌شود که فرد در موقعیت‌هایی که خطر وقوع جرم بالاست، از راهبردهای مقابله‌ای مناسب استفاده کند. افرادی که توانایی تنظیم هیجانی بالایی دارند، در پیش‌بینی خواسته‌های دیگران توانایی بیشتری دارند. آن‌ها فشارهای ناخواسته دیگران را درک و هیجان‌های خود را بهتر مهار می‌کنند و در نتیجه در برابر ارتکاب جرم و مشکلات ناشی از آن مقاومت بیشتری نشان می‌دهند (موریاتی و همکاران، ۲۰۰۱).

با توجه به تغییرات شخصیتی بسیاری که افراد زندانی از خود نشان می‌دهند و متغیرهای بی‌شماری که در شکل‌گیری و تشدید جرم و بزهکاری نقش دارند، بررسی منش افراد زندانی و ارتباط آن با راهبردهای شناختی تنظیم هیجانی افراد مذکور اهمیت زیادی دارد. همچنین وجود خلاءهایی در ادبیات پژوهشی این حوزه، انجام مطالعات بیشتر را ضروری می‌سازد. از این رو این مطالعه به منظور درک و شناخت مشکلات ابعاد منشی و هیجانی مرتبط زندانیان انجام می‌گیرد تا با استفاده از نتایج آن بتوان ضمن ارائه خدمات بهداشت روانی، موجبات ارتقاء سطح بهداشت روانی زندانیان را فراهم نموده و از عوارض و پیامدهای منفی و هدر رفتن نیروی انسانی و اقتصادی قشر جوان و فعال جامعه جلوگیری به عمل آید، تا از این طریق متناسب با ویژگی‌های اکتسابی افراد به پیشگیری و مداخله از ارتکاب جرم پرداخت. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه منش با راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان (تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش و کم‌اهمیت‌شماری) و پیش‌بینی کیفیت راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان بر اساس عوامل مذکور در زندانیان شهرستان جلفا انجام شد.

روش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی است که به روش همبستگی و رگرسیون انجام شد. جامعه‌ی آماری این پژوهش کلیه‌ی زندانیان کیفری در زندان شهرستان دربند در سال ۱۳۹۲ بودند که با روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۱۰۰ نفر انتخاب شدند. در این پژوهش به منظور گردآوری اطلاعات از دو پرسشنامه استفاده شد.

پرسشنامه منش: این پرسشنامه توسط کلونینجر و همکاران (۱۹۹۴) برای اندازه‌گیری منش ساخته شده است و شامل ۱۳ خرده مقیاس است. در این پرسشنامه منش و مولفه‌های آن (همکاری، خودراهبردی و خود فرآوری) اندازه‌گیری می‌شود. به هر کدام از سئوال‌ها یک نمره تعلق می‌گیرد و نمره ابعاد منش، از مجموع نمرات خرده مقیاس‌های آن به دست می‌آید. هر آزمودنی به سئوالات این پرسشنامه به صورت صحیح و غلط پاسخ می‌دهد. طراحی سئوالات به گونه‌ای است که با توجه به محتوای عبارت، پاسخ صحیح یا غلط می‌تواند موجب افزایش نمره در یک مقیاس گردد. این طراحی بدین منظور صورت می‌گیرد که تاثیر پاسخ‌دهی ردیفی را در نتایج کاهش می‌دهد. این پرسشنامه

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-12]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.3.5.0]

برای نخستین بار توسط کاویانی و پورناصح (۲۰۰۷)، مورد استفاده قرار گرفته است. ضریب پایایی در جامعه‌ی ایرانی به روش بازآزمایی برای هر یک از خرده مولفه‌های آن، همکاری ۰/۹۵، خود راهبردی ۰/۸۵و خود فرآوری ۰/۸۸ بدست آمده است.

پرسشنامه راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان: پرسشنامه راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان توسط گارنفسکی، کرایج و اسپینوون (۲۰۰۱) به منظور ارزیابی نحوه تفکر بعد از تجربه رخدادهای تهدیدکننده یا استرس‌زای زندگی تهیه شده است. در این پرسشنامه راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان و مولفه‌های آن (تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه یزی، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش و کم‌اهمیت‌شماری) اندازه‌گیری می شود. این پرسشنامه دارای ۱۶ سوال است و بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای از هرگز تا همیشه قرار دارد. حداقل و حداکثر نمره در هر خرده مقیاس به ترتیب ۰ و ۱۰ خواهد بود و نمره بالاتر نشان‌دهنده استفاده بیشتر فرد از آن راهبرد شناختی است. همچنین پرسشنامه راهبردهای مثبت تنظیم‌شناختی هیجان از اعتبار و پایایی مناسب و رضایت‌بخشی برای استفاده در فرهنگ ایرانی برخوردار است، یوسفی (۲۰۰۷، به نقل از ابوالقاسمی و همکاران، ۲۰۱۱) اعتبار و پایایی این مقیاس را در نوجوانان ایرانی بررسی کرده است. ضریب پایایی به روش آلفای کرونباخ برای مقیاس راهبردهای تنظیم هیجان مثبت، ۰/۸۳ به دست آمده است. ضریب اعتبار مقیاس ۰/۸۵ گزارش شده است. به منظور جمع‌آوری داده‌ها، پس از دریافت مجوز از سازمان زندان کیفری شهرستان دربند و اعلام آمادگی مسئولین برای همکاری، پرسشنامه‌های مربوطه توزیع شد. سپس نمره افراد در هر دو پرسشنامه محاسبه شد. برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌های گردآوری شده ابتدا از آمار توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون و سپس رگرسیون چندگانه استفاده گردید به علاوه، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS18 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها

در جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان و منش و مولفه‌های آن‌ها درج شده است. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون نرمال بودن داده‌ها و رابطه خطی بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک به عنوان پیش‌فرض‌های اصلی این روش‌های آماری استفاده گردید. نتایج بررسی پیش‌فرض نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کالموگروف–اسمیرنوف نشان داد، توزیع داده‌های حاصل از متغیرهای پژوهش نرمال است و با توزیع نرمال تفاوت معناداری ندارد بنابراین پیش‌فرض نرمال بودن برقرار است. همچنین جهت بررسی خطی بودن رابطه از ضریب ایتا و تحلیل واریانس رگرسیون استفاده شد که نتایج نشان داد رابطه متغیرها خطی است. بنابراین می‌توان از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون در پژوهش حاضر استفاده کرد. برای بررسی رابطه‌ی مؤلفه‌های راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان با منش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج مربوط به این تحلیل در جدول۲ ارائه شده است. طبق نتایج حاصل از جدول ۲ می‌توان نتیجه گرفت بین راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان و منش رابطه معنادار وجود دارد. برای پیش‌بینی راهبرد مثبت تنظیم شناختی هیجان از روی مولفه‌های منش متغیرهای مولفه‌های منش به عنوان متغیر پیش‌بین و شاخص راهبرد مثبت تنظیم‌شناختی هیجان به عنوان متغیر ملاک در معادله رگرسیون وارد تحلیل شدند. همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، حدود ۲۳ درصد واریانس مربوط به راهبرد مثبت تنظیم شناختی هیجان توسط متغیرهای مولفه‌های منش تبیین می‌شود. تجزیه و تحلیل رگرسیونی داده‌ها نشان داد که مؤلفه همکاری در پیش‌بینی نتایج مؤثر هستند یعنی توان پیش‌بینی راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان را دارند. خلاصه این نتایج در جدول ۴ آمده است:

جدول(۱) میانگین و انحراف معیار راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان و منش

متغیر	مولفه ها	میانگین	انحراف معیار
راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان	تمرکز مجدد مثبت	۱۴/۰۴	۳/۵۱
	تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی ارزیابی	۱۸/۴۹	۴/۲۳
	مجدد مثبت	۱۰/۵۳	۳/۹۷
	پذیرش	۱۰/۳۸	۳/۴۶
	کم‌اهمیت‌شماری	۱۰/۰۲	۳/۷۴
منش	همکاری	۱۴/۳۸	۴/۶۸
	خود راهبردی	۹/۸۶	۵/۲۳
	خود فرآوری	۸/۶۷	۳/۴۱

جدول(۲) ضریب همبستگی ابعاد منش (همکاری، خود راهبردی و خود فرآوری) با راهبرد مثبت تنظیم شناختی هیجان زندانیان

متغیر	راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان	سطح معنی‌داری	N
همکاری	۰/۳۱	۰/۰۰۲	۱۰۰
خود راهبردی	۰/۰۵	۰/۰۲۶	۱۰۰
خود فرآوری	۰/۰۵	۰/۵۳۱	۱۰۰

جدول(۳) نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون راهبرد مثبت تنظیم شناختی هیجان با منش

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	R^2	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۳۵۹۲/۰۶	۱	۳۵۹۲/۰۶	۸/۷۶۴	۲۳	۰/۰۰۴
باقیمانده	۴۰۱۶/۷۷	۹۸	۴۰۹/۸۸			
جمع	۳۹۲۰۵/۷۸	۱۰۰				

جدول(٤) خلاصه نتایج مربوط به ضریب تعیین و ضرایب رگرسیون

متغیرهای پیش‌بین	ضریب β	ضریب استاندارد شده بتا	نسبت t	سطح معنی‌داری
همکاری	۱/۱۰۸	۰/۲۵۴	۲/۷۰۱	۰/۰۰۸
خود راهبردی	-۱/۲۴۷	-۰/۲۸۷	-۲/۹۶۰	۰/۳۴۹
خود فرآوری	۱/۳۰۹	۰/۳۰۱	۳/۱۷۱	۰/۱۴۰

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-12]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.3.5.0]

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بین برخی مولفه‌های منش (خود راهبردی و همکاری) و راهبردهای مثبت تنظیم‌شناختی هیجان در زندانیان مورد مطالعه همبستگی معناداری وجود دارد، یعنی توان پیش‌بینی راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان را دارند. همچنین در تحلیل رگرسیون مشخص شد که مولفه همکاری، راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان افراد زندانی را بهتر از سایر مولفه‌ها پیش‌بینی می‌کند، به طوری که حدود ۲۳ درصد واریانس مربوط به راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان را تبیین می‌کند. از آنجایی که در خصوص متغیرهای مورد بحث در پژوهش حاضر در رابطه با زندانیان و مجرمین تحقیقات اندکی به عمل آمده است، پژوهشگر تلاش را بر آن داشته تا نتایج مطالعات مشابه را یادآور شود. این یافته با تحقیقات کلونینجر و شوارکیک (۲۰۰۵) مطابقت می‌کند. کلونینجر و شوارکیک (۲۰۰۵) در تعریف "همکاری" عنوان می‌کنند که این ویژگی منشی تفاوت‌های موجود در عملکرد قانون گذرانه افراد را کمی می‌کند. افرادی که همکاری بالا دارند خود را به صورت اجزاء یکپارچه اجتماع انسانی مفهوم‌سازی می‌کنند. به این ترتیب به صورت افرادی بردبار، مهربان، حمایت‌کننده و اصول‌گرا توصیف می‌شوند. این ویژگی‌ها در کارهای تیمی و گروه های اجتماعی سودمند ولی در افرادی که باید به صورت انفرادی زندگی کنند مزیتی ندارند. طبق یافته‌های پژوهش حاضر مولفه همکاری مانع استفاده افراد زندانی از راهبردهای غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان همچون فاجعه‌شماری، خود سرزنش گری، نشخوار فکر و سرزنش دیگری می‌شود. به عبارت دیگر مولفه همکاری توانایی پیش‌بینی راهبردهای مثبت تنظیم شناختی و مولفه‌های آن (تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش و کم‌اهمیت‌شماری) را دارد.

طبق یافته‌های مطالعه حاضر، مولفه‌ی خود راهبردی علی‌رغم رابطه مثبت معنادار مشاهده شده، رابطه‌ای ضعیف بوده و با ضریب تأثیر (Beta = -۰/۲۸۷) و با توجه به عدم معناداری آماری t نمی‌تواند تغییرات مربوط به راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان را به صورت معنادار پیش‌بینی کند. کلونینجر و شوارکیک (۲۰۰۵) در مطالعات خود برخی ویژگی‌ها را برای بعد منشی خود راهبردی مطرح نموده‌اند. آنها معتقد هستند افرادی که در مولفه "خود راهبردی" نمره بالا بدست می‌آورند، افرادی خودکفا، مسئولیت‌پذیر، معتبر، مبتکر، هدفمند و خودپذیر هستند. سودمندترین تعریف به طور خلاصه از چنین افرادی این است که آن‌ها واقع‌گرا و موثر هستند و به همین دلیل آن‌ها می‌توانند رفتار خود را، با اهدافی که خود شخصا برگزیده‌اند، هماهنگ کنند. بنابراین تعریف و با توجه به اینکه مولفه خود راهبردی نمی‌تواند به کارگیری راهبردهای انطباقی تنظیم‌شناختی هیجان را توسط زندانیان پیش‌بینی و تبیین کند، اشاره به این مطلب در خور اهمیت است که ویژگی منشی خود راهبردی زندانیان منجر به نارساتنظیم‌گری هیجان می‌شود، به طوری که هیجان‌های مخرب همچون خشم و اضطراب به درستی کنترل نمی‌شود و راهبردهای ناکارآمد تنظیم شناختی، همچون خود سرزنش‌گری، دیگر سرزنشگری، نشخوار و فاجعه‌شماری که در زندانیان به طور فراوان دیده می‌شوند، می‌توانند از طریق ارزیابی نادرست رویدادها باعث برانگیختگی هیجانات نامناسب و در نتیجه ارتکاب جرم شوند. بنابراین زندانیان با توجه به تنظیم ناکارآمد هیجانی عواطف، تبدیل به شخصیت‌هایی عیب‌جو، ناامید، مسولیت‌ناپذیر، نامعتبر و واکنشی می‌شوند که قادر به تعریف، ترتیب دادن و تعقیب معنادار اهداف درونی خود نیستند و با دارا بودن این قبیل عملکردهای ضعیف اجرایی، که بیانگر رفتار غیرواقع‌گرایانه و نقص هدایت درونی‌اند زمانی که در موقعیت ارتکاب جرم تحت فشار قرار می‌گیرد، مقاومت کمتری از خود نشان می‌دهند.

در پژوهش حاضر مولفه‌های خود فرآوری با ضریب تأثیر (Beta =۰/۳۰۱) و با توجه به عدم معناداری آماری t نمی‌تواند تغییرات مربوط به راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان را به صورت معنادار پیش‌بینی کند. این یافته با تحقیقات کلونینجر و شوارکیک (۲۰۰۵) مطابقت نمی‌کند. کلونینجر و شوارکیک (۲۰۰۵) در تعریف "خود فرآوری" عنوان می‌کنند این ویژگی منشی بیانگر افرادی است که به طور کلی خود را به عنوان بخش یکپارچه‌ای از جهان هستی تلقی می‌کنند. این افراد به عنوان افرادی دارای قضاوت سلیم، بصیر، روحانی، بی‌ادعا و متواضع توصیف می‌شوند. سودمندی تطابقی این صفات وقتی است که افراد با رنج، مرگ یا بیماری مواجه می‌شوند که در سنین بالاتر اجتناب ناپذیرند. این صفات در اکثر اجتماعات مدرن زمانی بی‌فایده تلقی می‌شوند که احتمال آن برود که آرمان‌گرایی،

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-12]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.3.5.0]

فروتنی و مراقبه‌های معنی‌جویانه با کسب قدرت و ثروت تداخل کنند. در تبیین تضاد موجود بین یافته‌های پژوهش حاضر، اشاره به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که زندانیان به دلیل اینکه در مولفه خود فرآوری نمره پایینی کسب می‌کنند، به سمت عمل‌گرایی، عینیت‌گرایی و مادی‌گرایی تمایل داشته و در عین حال کمال‌طلب، کنترل‌کننده و پرمدعا هستند و این عوامل به نوبه خود در زندان رفتن و ارتکاب جرم موثر می‌باشد. بنابراین مطابق با یافته‌های پژوهش حاضر، مولفه خود فرآوری در زندانیان نمی‌تواند باعث به کارگیری راهبردهای انطباقی در تنظیم و بیان هیجان گردد.

براساس مدل کارکرد اجرایی خود تنظیم‌گری ولس و متیوس (۱۹۹۴) می‌توان گفت که نقص در مکانیسم‌های شناختی خود تنظیم‌گری هیجانی که شکلی از تنظیم هیجان است، که باعث ناسازگاری هیجانی و تداوم ارتکاب جرم میشود.

با توجه به اینکه ویژگی منشی همکاری زندانیان منجر به بکارگیری مناسب راهبردهای انطباقی تنظیم هیجان می‌شود، زندانیان احساس آرامش بیشتری می‌کنند که خود این می‌تواند زمینه‌ساز کاهش وقوع جرم باشد. به طور کلی، افرادی که مرتکب جرم می‌شوند، دارای تفاوت‌هایی در برخی ویژگی‌های منشی با افراد سالم هستند، این افراد گرایش به آسیب، ناراحتی و نگرانی بیشتری داشته و احساس خستگی روانی بیشتری می‌کنند. به دنبال اختلالات هیجانی همراه، ممکن است کمتر علاقمند به محرک‌های محیطی گشته و بیشتر غرق در افکار خود و دنیای درونی گردیده و برخی رفتارهای تکانشی و در نتیجه منفی‌گرایی از خود نشان دهند.

به طور کلی نتایج مطالعه حاضر نشان داد بین راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان و مولفه‌های منش (خود راهبردی و همکاری) رابطه معناداری وجود دارد. همچنین برخی مولفه‌های منش می‌توانند نحوه به کارگیری راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان را در زندانیان پیش‌بینی نمایند. بنابراین به منظور مداخلات کاربردی مناسب و آموزش به کارگیری راهبردهای انطباقی در کاهش ارتکاب جرم و بزهکاری می‌توان از متغیرهای پژوهش حاضر کمک گرفت. همان‌طور که نظریه‌های مختلف زیست‌گرا و محیط‌گرای آسیب‌شناسی روانی در تحقیقات خود ذکر کرده‌اند، تنها آمادگی زیستی و یا تنها محرک‌های محیطی نمی‌توانند دلیل اصلی رفتارهای سالم و ناسالم افراد باشند. براساس نتیجه بدست آمده می‌توان گفت یک نوع آمادگی منشی در به کارگیری راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان در تداوم و ارتکاب جرم وجود دارد، بنابراین با توجه به اینکه مولفه‌های منشی و اکتسابی شخصیت از عوامل مهم و تاثیرگذار بر سلامت روان زندانیان است، همچنین با درنظر گرفتن نقش و اهمیت این متغیرها در بهداشت روانی زندانیان می‌توان با آموزه‌ها و ارائه راهکارهای صحیح، سلامت روان آن‌ها را افزایش داد. لذا نتایج این پژوهش تلویحات مهمی در زمینه‌ی بهبود کیفیت بکارگیری راهبردهای مثبت تنظیم‌شناختی هیجان و مداخلات درمانی برای کنترل بدکارکردی روان‌شناختی زندانیان با در نظر گرفتن ابعاد منشی به همراه دارد. شاید یکی از مهم‌ترین کاستی‌های این پژوهش، بررسی صرف ابعاد منشی و نادیده گرفتن سایر متغیرهای موثر در پیش‌بینی راهبردهای انطباقی تنظیم هیجان در میان زندانیان باشد. علاوه بر این پژوهش حاضر تنها بر روی زندانیان کیفری شهرستان دربند انجام شده و تعمیم نتایج باید با احتیاط صورت گیرد. در این پژوهش، فرآیندهای شناختی هشیار مانند تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش و کم‌اهمیت‌شماری مدنظر قرار گرفت و وجود نشانه‌های ارتکاب جرم ممکن است قرینه‌ای باشد از وجود احتمالی راهبردهای غیر انطباقی تنظیم شناختی هیجان. از طرفی، وجود مکانیسم‌های علی چرخه‌ای در وقوع جرم و زندانی شدن مجرمین نتیجه‌گیری قطعی را غیرممکن می‌سازند. بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های دیگر همسو با این موضوع متغیرهای دیگر تاثیرگذار بر راهبردهای انطباقی تنظیم هیجان، به عنوان مثال ویژگی‌های سرشتی و سایر عوامل فطری را مدنظر قرار داده و تاثیر آن با سایر عوامل روان‌شناختی موثر بر راهبردهای ناکارآمد مقابله‌ای را مورد بررسی قرار دهند.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از کلیه زندانیان شرکت‌کننده در این پژوهش و همچنین پرسنل شهرستان دربند تقدیر و تشکر به عمل آورند.

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-12]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.3.5.0]

منابع

References:

Abolghasemi A., Alah Gholilo K., Narimani M., Zahed A., (2011) Emotion Regulation Strategies in Stbstance Abusers with High and Low Reactivity. Journal of Guilan University of Medical Sciences, (20) 77, 15-22.(in Persian).

Amstadter A., (2008). Emotion regulation and anxiety disorders. Anxiety Disorders, 22, 211–222.

Cloninger CR, Svrakic DM. (1992) Personality dimensions as conceptual framework for explaining variations in normal, neurotic andpersonality disordered behavior. In: Burrows GD, Noyes R, Roth M.(Eds.). Handbook of anxiety. Vol. 5. Amsterdam. Netherlands. Elsevier; pp: 79-104.

Cloninger, C. R. 1991. Brain networks underlying personality development. In B. J. Carroll & J. E. Barrett (Eds.), Psychopathology and the brain. New York, Raven Press , 183-20 pp.

Cloninger, C. R., & Svrakic, D. M., (2005). Personality disorders. In B. J. Sadock. V. A. Sadock (Eds.), Comprehensive textbook of psychiatry (Eight Edition, pp. 2063-2105). Philadelphia, Lippincott Williams & Wilkins.

Cloninger, C.R., Przybeck, T.R., Svrakic, D.M., Wetzel, R.D., (1994). The Temperament and Character Inventory (TCI): a Guide to its Development and Use. Center for Psychobiology of Personality, Washington University, St Louis. N,ed,New york,NY:S.Karger Publisher .Inc, 73-85.

Dadsetan, P. 2006, "Criminal Psycology" Tehran, Samt publication [Persian]

Garnefski, N., Kraaij, V., & Spinhoven, P. (2001).Negative life events, cognitive emotion regulation and emotional problems. Personality and Individual differences, 30, 1311–1327.

Gross, J. J. (2002). The emerging field of emotion regulation: An integrative review. Review of General Psychology, 2(3), 27 1-299.

Hurt، S. (2002). Personality disorders in female prisoners: intreindividal variability in borderline and narcisstic criteria. Dissertation، university of Virginia.

Kaviani H . , Pornaseh , M..(2007) . Validation Cloninger temperament and character inventory .Journal of Medicine, 63 (2) , pp. 98-89 .(In Persian).

Malayeri N, Asadi M, Hoseyni F. (2008).Studying personality feature with Cloninger trait and character inventory in borderline personality. Tehran Medial Science Journal; 66: 633-638 . (In Persian(.

Moriarty, N., Stough , C., Tidmarsh , P., E year, D. & Dennisin , S. (2001). Deficit in emotional intelligence underlying adolescent set offending. Journal of Adolescence. 24, 743- 751.

Sadock, B. J., & Sadock, V. A. (2007). Kaplan & Sadock's Synopsis of Psychiatry Bahavioural Science (10th ed.). Lippincott Williams & Wilkins.

Wells, A., & Matthews, G. (1994). Modelling cognition in emotional disorder:the s-ref model.Department of clinical psychology.University of Manchester, 14, 127-133.

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-12]

DOR: 20.1001.1.1735451.1393.3.3.5.0]